

ملیت و مذهب
در خون شیعه و
سنی افغان
است



طنز
رشوت دهنده و
رشوت گیرنده
هر دو
کامیاب !؟

آزادی بیان



حکومت داری ماقبل اسلام
در آریانای کبیر
فوتبال عربستان و ایران یک
بازی سیاسی بود ؟!



تابلوی خونین غزه در آئینه تورات

چو نیک نظر کنی بدش هم سهل است
ویران شود این خرابه دارالجهل است

نازم به خرابات که اهلش اهل است
از مدرسه برنخاست یک اهل دلی

بازداشت مدیر مسئول آئینه روز

به تاریخ هفتم حمل ریاست اول امنیت ملی از طریق حوزه دوم به دفتر آئینه روز آمدند و بعد از رفتن به حوزه دوم امنیت مدیر مسئول و صاحب امتیاز تسلیم ریاست حوزه اول داده شد و به شش درک انتقال گردید. وقتی پرسیده شد که چرا بدون اینکه کمیسیون تخطی مطبوعات و یا وزارت اطلاعات در جریان باشد کسی را از خانه اش می برند، ایشان در جواب گفتند که اگر مسئله امنیت ملی باشد ما اختیار عام و تام داریم کسی را دستگیر و تا مدت ها نگهداریم. بهر صورت در ریاست حوزه اول در ابتدا احترام فوق العاده زیاد شد و از نبات مزارشریف نیز بهره مند گردید و در فضای بسیار صمیمی از ایشان تحقیق صورت گرفت و در قسمت شهرت کامل، کاکا و ماما و بچه خاله و عمه و برادر پرس و پال شد و سپس در مورد منبع تمویل سوالاتی شد که همه تحریری به ایشان سپرده شد. اما بعد از چهار ساعت می خواستند که عکس یادگاری از ایشان گرفته شود و بعد از گرفتن عکس هایی از دوستان بخش مدیر مسئول نشریه خواهش کرد که از ایشان عکس یادگاری گرفته نشود اما گرفته شد. دوستان ما در مورد حزب حیوانات معلوماتی دریافت کردند و در مورد طنز نیز چیزهایی گفته شد. گرچه یکی از برادران در زمینه ادبیات معلومات زیاد داشت و از درخت آسوریک قبل از اسلام و کلیله و دمنه (حزب حیوانات قدیم) و گیل گمش اساطیر بابل و ... چیزهایی گفته شد که باعث خوشی مدیر مسئول شد و دانست که یکی از کارمندان این جا در زمینه پیشینه ادبیات نوشتاری چیزهای زیادی می دانند.

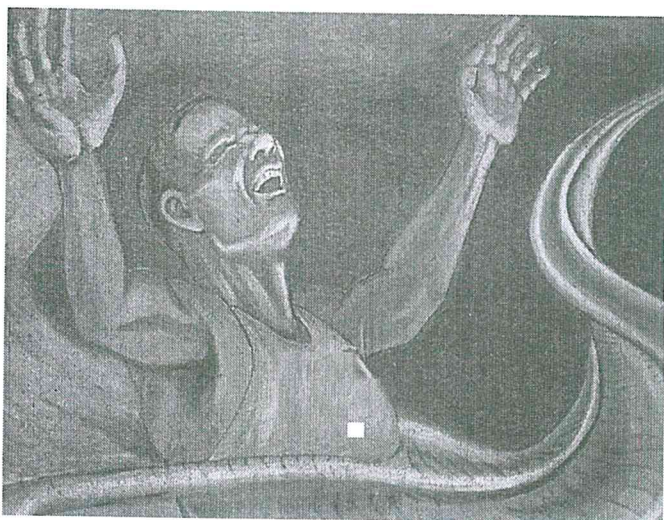
چون قضیه گرفتاری ساعت دونیم صورت گرفت تا ساعت هشت و نیم شب ادامه داشت و جناب رییس صاحب گفتند که شب ایشان را نگهدارید ولی معاون این اداره با رفتار بی نهایت خوب دوباره بازگشتند و به توضیح سیاست دولت در قبال ایران پرداختند و از نشریه خواهش به عمل آمد تا در مورد ایران مصلحت های دولت را در نظر گیرد. مدیر مسئول نشریه نیز با درک تمام مطالب که ایشان ایراد کردند و سیاست دولت به ایشان گفت که ما از اینکه دولت در همه موارد همکار و دوست خوب کشور ایران است خوشحالیم و امیدواریم همیشه روابط دوجانبه باشد و هر دو کشور همسایه و برادر با هم در تفاهم و دوستی زنده گی کنند. ولی کشور ما در بن قرارداد هایی را امضا کرده است مبنی بر آزادی بیان و به جهانیان تعهد داده است که از آزادی بیان دفاع کنند. ایشان گفتند که کشورهمسایه شاید فکر کند که منبع تمویل نشریه از طرف آمریکا و یا اسرائیل باشد و با درک اینکه این نشریه خرچ چندانی ندارد و ما نه آمریکایی و نه اسرائیلی هستیم، بلکه مخالف با همه جریان های خارجی فقط به توضیح دوستانه اکتفا کردند و در آخر اینکه نشریه از دخالت کشور ایران در مطبوعات کشور اعتراض کرد و گفت ای کاش روزنامه ها و نشریات و تلویزیون های که جواز فعالیت دارند و منابع تمویل شان مشکوک است تحت پازپرس قرار گیرند که چه کسانی از آنها حمایت می کند و در صورت افشای حقیقت ها به عواملی که با بیرونی ها و اتباع بیگانه در ارتباط است جزا داده شود. در آخر موتر کارمندان این اداره ساعت نو شب دوباره مدیر مسئول را به خانه رسانید و با پیشامد خیلی خوب و با عزت رها کرد که از پیشامد چند تن از دوستان بجز یک تن تشکر می کنیم و امیدواریم مشکل هر افغان را مشکل خود بدانند و نگویند مشکل شماست ؟! آنچه نشریه در سرلوحه کار خود دارد ادامه راه سید جمال الدین افغان است و مبارزه با سیاست کشورهای مداخله گر و این راه ادامه خواهد یافت و دو موضوع ما را خیلی نگران کرده است. یک: فتوای علمای اجنبی به نام کفر و مرتد و ... دوم: موضوع امنیت ملی که هر موضوع را می توان به آن ارتباط داد، در حالیکه انتقاد حتی از حضرت آدم صورت گرفته است و حتی دوستان قمی ما نیز خوانده اند که حافظ می گوید: پدرم رضوه رضوان به دوگندم بفروخت و به پیامبر گرامی نگاه انتقادی داشته حالا ما دیگران که عددی نیستند آنها اشتباهات زیادی کردند ...

این چهار وزیر

سید محمد بهار

همه را ببینند ؟!
دو چیز مایه تعجب مردم شده است، یکی اینکه نام آن عالیجنابان سبز پوش را نیاوردی ؟!
دیگر اینکه فردای تسلیم قدرت رفتی و بازگشتی ؟!
آیا مردم می خواهند باز در کنار کسی باشند که یک روز در اینجا و روز دیگر در نیویارک

مردم او را بشناسند و گفت که می خواستم لیست مافیای مواد مخدر و ... را افشا کنم.
اما اگر این وزیر اسامی آنرا حتی از آمریکا افشا می کرد به مطبوعات می گفت و یا بنام مستعار موضوع را می گفت که خدا ناخواسته او را نکشند ؟!
بلی وزیری که شهادت افشای مافیای



مواد مخدر را نداشت چگونه می تواند رییس جمهور کشور ما شود.
اما راه دیگر هم است ما می خواهیم که اگر دیروز نتوانستی اسامی را افشا کنی حالا قبل از اینکه نامزد شوی بیا و به ما بگو کی مافیای مواد مخدر است.
اگر این کشور و این مردم می خواهند قبل از اینکه خود را کاندید کنی چند دزد و قاچاقچی و مافیای افشا کن و یا اینکه حالا رای شما نیز بستگی به افشای همان مافیا دارد و مردم می خواهند شهادت

بگذارید و به خانه های ما داخل نشوید و هیچ زندانی و افغانی را بدست خارجی ندهید ... بلی ... راهی باید در نظر گرفته شود که تمام افغان ها حتی مخالفان فرصت اشتراک در دولت ردا داشته باشند و دیگر بنام جنگ برادران افغان ما کشته نشوند.
این راه را کسانی بلدند که زبان هموطنان خود را می دانند، شجاعت و حق خواستن می تواند شما را در همه مسائل کمک کند و مردم توقع دارند در همه زمینه ها با ایشان همکاری صورت گیرد و در مسیر دشوار سیاسی افغانستان کسانی باید در میدان بیایند که بتوانند در کنار این مردم خواسته ها و منافع آنها را تامین کنند.
اما در قسمت وزیر دیگر اختلاف است و شاید هیچگاهی به توافق و اجماع کلی نرسند که ایشان وارد میدان شوند چون کسانی که تصمیم می گیرند در طول سی سال نتوانسته اند با هم به تفاهم برسند و شاید در عربستان این توافق صورت گیرد و یا با بازگشت دوباره کسی دیگری کاندید گردد.

احزاب در ظاهر متحد تا حالا نتوانسته اند کسی را معرفی نمایند ولی در دو سه سال دیگر شاید یکی معرفی شود اینکه دوست کدام گروه و حزب است معلوم نیست اما کاندید احتمالی که یک درصد احتمال دارد در این انتخابات مورد حمایت قرار گیرد موجود است و انتظار می کشد که انشا الله رییس جمهور شود.

باشد.
بهر صورت نگاه ما متوجه کسی است که بتواند صلح به ارمان بیاورد، مواد مخدر را از این کشور نابود کند، عقاید و سنت های مردم را حفظ کند، نگذارد هیچ خارجی حتی یک افغان را بکشد، حریم خصوصی افغان ها در نظر گرفته شود، زندان های غیر قانونی بسته شود.
آیا این شعار ها را داده می توانید که به مردم بگویید ملت من قتل یک غیر نظامی را قبول ندارد، حریم خصوصی ما را احترام

فوتبال عربستان و ایران یک بازی

سیاسی بود؟!

امید یقوی

کشور همسایه نیز با اتکا به نفس و به خیال برد سیاسی در استادیوم ورزشی تهران در میدان خودشان انتظار برد را داشت .

اما در نیمه اول عربستان ضربه کارنر زیبایی زد که وارد گل ایران شد و سکوت محض در استادیوم ورزشی

دیدار تیم عربستان و ایران در رقابت های ورزشی که یکی از بهترین بازی های آسیایی است جذاب ترین بازی سیاسی است که همیشه رهبران این دو کشور از نزدیک این بازی را تماشای می کنند و در آخر آرزو دارند تا تیم کشورشان برنده شوند و در سرک ها پرچم

رشوت دهنده و رشوت

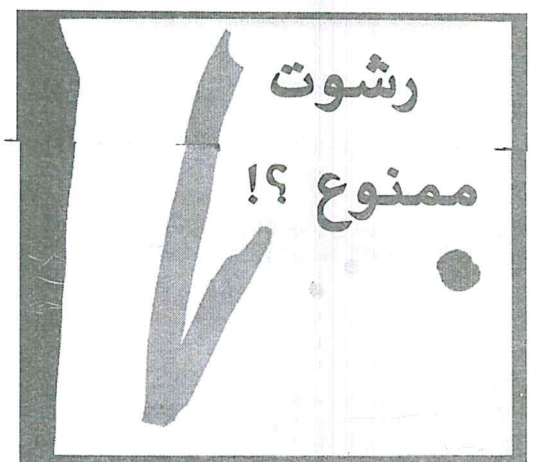
گیرنده هر دو

کامیاب؟! سید ایوب

رشوت در لغت به معنی ، چیزی که در مقابل یک کار به کس بدهند و او کار قانونی باشد یا غیر قانونی ! اما رشوت یک چیز لذیذ ، مزه دار و شیرینی است که در ذات خود هیچ تلخی ندارد و به خاطر روی نازکش هیچ کس از دریافت آن روی گردان نیست ، زیرا او چیزی است که به انسان رسوخ ، شخصیت ، حیثیت و مقام میدهد و از آدم خراب آدم خوب میسازد و در پهلوی تمام مصیبت ها را از انسان دور ساخته و نمیگذارد که انسان دچار مصیبت ها و مشکلات گردد.

ای رشوت جوانمیرگی در دوایر دولتی قسمی ریشه دوانده که از مقامات بالا گرفته تا قطار مامورین پایین رتبه حتی ملازمین و پیاده گان شعبه هم به این مرض بی درمان آغشته میباشند ، و خوبی اش اینست که در میان مامورین یک رنگی ایجاد کرده یعنی آمر و مادون در بین شان کم و همه یک سویه میباشند. زیرا که راز و نیازشان باهم گره خورده و یکیست !!!...

ما به چشم سر می بینیم که همه روزه در هر جای در هر گوشه و کنار شهر در ایستگاه موتر و غیره جاها از اشخاص غریب و بی بضاعت که به خاطر رفع احتیاجات و ضرورت روزمره خود دست فروشی میکنند به موظفین منطقه که



گویا بلست جانی را برای دست فروشی خود اشغال کرده اند لقمه نان خود را مناصفه نماید !! همچنین ترافیک ها سوتی نیم متره و دروش نوک تیز موچی ها در اختیارشان بخاطر بچنگ آوردن حقوق خود به سوتی کاری و پنچری موتر ها می پردازند . بالاخره از (او) رشوت ، از (ای) رشوت و از (همه) رشوت حالی بیا که از ای نوده پیوند کنیم که از گدائیگران روی سرک هم رشوت !! امروز اشخاص موظفین منطقه از گدائیگران روزانه از هر تک نفر (نظر به جای و عایدش) مبلغ ۴۰ تا (۹۰) افغانی رشوت میگیرند .

پس روی این ملحوظ در شهر و بازار در تعداد گدائیگران روز افزون است که اشخاص صحتمند ، جور تیار غیر مستحق هم بخاطر بدست آوردن پول این شغل را برگزیدند و اختیار کردند . که هر کدام از اینها خود را ساخته گی معیوب میسازند مثلا : دست خود را از آستین میکشد و آستین را خالی در قبال خود آویزان میمانند تا که معلوم شود که شخص بیچاره بی دست است . کسی هم پای خود را قات کرده به ران خود بسته میکند و دو چکس چوب را در زیر قول کرده لنگ لنگان راه میرود تعدادی هم از زردچوبه میده شده استفاده میکنند که زردچوبه را قسمی به روی و گردن خود میمالند که آدم فکر میکند که بیچاره مریضی شدیدی زردی است . باز تمثیل شان بالاتر از هنرمندان تیاتر و سینماگران مسلکی ما میباشد .

همچنان هستند اشخاصی که اطفال خورد سن را به اجاره میگیرند و آنها را مکیاژ سوخته گی کرده و در روبروی خود بخاطریکه دردهای شدید سوختگی را در بیخوابی سپری کرده خوابانده اند . حالا که او هیچ تکلیفی ندارد صرف جراحی سوختگی شده و دوی دیزپیم بیهوشی برایش خورنده تا که در خواب باشد .

چون شارشار خربوزه شده هر کس به نفع خود می درنگانند و می توانی بدرانگان ..

عربستان ۷ امتیاز

علی دایی را نمی خواهیم

ایران

کرد . یک بار دیگر سکوت حکمفرما شد و قلب ها از تپش باز افتاد و همه منتظر شهکار بعدی تیم علی دایی شدند .

اما عثمان با نام زیبایش خود را آماده کرد تا کارنر فرستاده شده را به توکل خدا هدایت کند و با زدن ضربه سر سکوت را در استادیوم حکمفرما کرد و قلب ها را از حرکت بازماند .

این گل سیاسی سرنوشت عربستان را تعیین کرد و این کشور را امیدوار به رفتن جام جهانی ...

اما چهره برافروخته امیدوار سیاسی که میتواندست از این بازی به نفع انتخابات استفاده کند چندین بار در روی پرده تلویزیون ها و شبکه های تلویزیونی افتاد و همه فکر کردند که رنگ سرخ تلویزیون زیاد شده است بینندگان آنقدر عصبانی شده بودند که چرا در خانه خود شان چنین اهانتی صورت گرفت و از آنجا که شکست خیلی دردناک است شعار های مرگ بر علی دایی و زنده باد علی کریمی را سردادند .

اما این شعار ها دیگر چه دردی را درمان می کرد و امتیاز بیشتری نصیب کشور عربستان کرد. حالا چه سرنوشتی و توبیخی نصیب کادر رهبری تیم ایران می شود بعدا

معلوم خواهد شد ولی آنطور که دیده میشود ، فوتبال سیاسی امارات و عربستان و عراق و ایران ادامه دارد و اکثرا بازنده تیم ایران بوده است .

ناگفته نماند که در زمان ظاهر شاه که افغانستان تیم خوبی داشت در استادیوم ورزشی کابل ایران یک مقابل صفر از کشور ما نیز شکست خورده بود به امید اینکه تیم افغانستان در زمان بازسازی فوتبال بتواند جایگاه خود را در این کشور پیدا کند ..

حکم فرما شد ولی خدا بخیر کرد و مربی ژاپنی آنها مردود اعلام کرد و قلب رییس جمهور دوباره به تپش افتاد ولی در ۵۷ خلعتبری بازیکن خوب ایران گل زیبایی را وارد دروازه کرد که باعث تشویق احمدی نژاد و دیگر تشویق کننده گان قرار گرفت .

بازی سیاسی همین جا پایان نیافت و حمله زیبایی زیبایی از طرف عربستان در عمق دفاعی تیم ایران صورت گرفت و صالح الهذادی بازیبایی قابل توصیف گول سید مهدی رحمتی دروازه بان ایران را باز

کشورخویش را به اهتزاز در می آورند و از این بازی نفع برداری سیاسی می کنند و حتی در انتخابات های ریاست جمهوری نقش به سزایی دارد .

قبلا تیم های عراق و ایران در بازی های سیاسی فوتبال به رقابت می پرداختند و در صورت برد صدام حسین شخصا به آنها پاداش نقدی می داد .

این بار تیم کشور همسایه با مربی گری علی دایی و تمرینات بیش از حد وارد میدان شد و رییس جمهور

حکومت داری ماقبل اسلام در

آریانیان کیبر

نویسنده: سیدداود یعقوبی

سایه عدالت فریدون کیانی در رفاه و آسایش بسربردند و فرزندان فریدون تمام جهان را در سایه عدل پدر تقسیم نمودند تا اینکه بعد از وفات پدر تور اختلاف را دامن زدو بین تورانیان و آریین ها جنگ های سختی در گرفت ومشکلات زیادی برای حکومت پیش آمد و تاریخ در سایه اختلاف و دوری یک حاکم جابر از عدالت دوباره به عقب برگشت .

بهر صورت این نکات یاد آور افسانه های قدیم این سرزمین است که می گوید :

حکومت بدون در نظر داشت خدا امکان پذیر نیست . در سایه عدل الهی می شود تمام مملکت را در اداره خود آورد واگر حکومت نماینده دین و خدا نباشد پایدار نمی ماند .

توجه به رفاه اقتصادی و حل مشکل اقتصادی رعیت درنظر شاهان قدیم اولویت داشت .

بحث عدل و دادگستری از مسایل مهمی بودکه هیچ زورمندی نمیتوانست بر مرد ناتوان ظلم کند و دولت جز عدل کاری نمی کرد.

مردم درکنار دولت سپاه عظیم را تشکیل می دادندو درکنار شاهان هیچ زمانی نمی گذاشتند دشمنان خارجی مشکل آفرین شوند و اگر هم دشمن خارجی دست درازی در سرزمین آریانا می کرد همه با هم با صداقت کامل از تمامیت ارضی کشور دفاع می نمودند و استقلال کشور را حفظ می کردند.

اما نکته جالب اینکه دولت و مردم وظایف خاصی داشتند وهر کدام می دانست چگونه وظایف خود را به پیش برد .

مردم با تمام وجوددر کنار دولت و مردم خود بودند و هم دولت را حمایت و یاری می کردند و هم نمی گذاشتند برادران شان در مشقت زنده گی کنند و تعاون و همکاری در بین آنها بی نهایت شدید بود.

دولت هم در قبال رعیت خود وظایف خاصی داشت و نمی گذاشت رعیت او توسط ظالم داخلی و یا خارجی اذیت شود و یا ظلمی صورت گیرد و اگر یک رعیت در

کشوری مورد ظلم قرار می گرفت ، به کشورظالم حمله میشد و حق رعیت از آنها گرفته میشد.

دسته جمعی بخاطر زراعت و تشکیل دسته های سپاه بخاطر حل مشکل بیکاری و حفاظت از سرزمین و تصاحب زمین های کشورهای دیگر همه و همه بخاطر رفاه عامه در نظر گرفته می شد .

از همه مهمتر اینکه سیاست آزمون چون سیاست رومیان و یونانیان نبود که براصل استبداد و وحشیگری استوار باشد.

در کتاب هرودوت اولین تاریخ جهان آمده است : آریاییان از کودکی راستی - اسب سواری و تیر اندازی را یاد می گرفتند و این اصل آنها را برتر از همه جلومیداد .

بی شک در پرتو راستی و صداقت فلب تمام ملت ها فتح می شد و همه جهان سر تعظیم به راستی فرود می آوردند .

بسی اصل عدالت - شجاعت - راستی و تعلیم دینی هر کدام راه روشنی بود که در سایه آن حکمرایان می توانستند عدالت را جاری سازند ودر عدالت اساطیری هیچ ناتوانی مجازات نمی شد مگر در داد گاه ضحاک ماردوش که حکومت استبدادی را در تمام آریانای کهن برقرار کرده بود و این شاه ظالم بالاخره با قیام کاوه آهنگر مواجه شد و تمام مردم این سرزمین در کنار آهنگری جمع شدند و توانستند ظالم ترین شاه را در بند کشند و برای ابد از شر این ظالم خلاص

گردند و حکومت را به فردی که عدل الهی را در زمین می خواست وخواست اورمزد و راستی را قایم می کرد تسلیم کردو سالیان سال مردم در

عشق به راستی و نگاه داشتن پیمان در اصول دینی تذکر یافته بود .

اصل گفتار نیک - کردار نیک و پندار نیک در کتاب مقدس آزمون تذکر یافته بود و نگاهداری پیمان بیشتر از همه در نظر گرفته می شد.

اما داد گستری از همه مهمتر در نظر گرفته می شد چون حکومت در سایه دادگستری می توانست آرای کامل ملت را بدست بیاورد .

در آموزشگاه های درباری دادگاههای مجازی ترتیب داده می شد وکودکان ناگزیر بودند در آن شرکت کنند تا بادیدن این دادگاه ها واداره کردن آن در فن قضاوت ورزیده شوند .

آنها خواست اورمزد را در نظر می گرفتند و میگفتند خواست من نیست که به مرد ناتوان ستم شود...

در بار پادشاهان انضباط سختی داشت ودر آنجا هیچگونه صدای بلند ، فریاد وخشم یا خنده شنیده نمی شد.

در باره پرهیز از خشم و ترک کینه منتهای اوستایی اشاره ها داشته و به این امر بیشتر توجه صورت می گرفت .

اما بحث اصلی که بیشتر از همه مورد توجه حکمرایان خاندان اسپه و کیانیان صورت می گرفت توجه به گله داری و زراعت بود و

تعلیمات دینی آنوقت نیز این اصل را بیشتر در نظر گرفته بود.

نگهداری از گله های گاوان و اسبان و همکاری

اگر نیم نگاهی به حکومت داری در قدیم ترین ایام که دراساطیر این سرزمین آمده است داشته باشیم خواهیم دید که " اصل فضیلت اخلاقی - جوانمردی ودلیری ، دانایی و پارسایی " مهمتر از همه بود .

با گذشت بیشتر از ۵۰۰۰ سال از حکومت یما در بلخ باستان تا حالا و با تجربیاتی که در طول ادوار قدیم و جدیدانسان ها داشته اند ، اگر این بازنگری به حکومت های اساطیری داشته باشیم و آنرا با شرایط فعلی تطابق دهیم موفقیت خوبی نصیب ما می شود.

پرورش جان و تن فرمانروایان دیروز اصل مهمی بود که در شاهنامه فردوسی چنین آمده است :

سواری تیر و کمان و کمند

عنان ور کیب و چه و چون و چند

نشستگاه و مجلس و می گسار

همان باز و شاهی و یوز و شکار

ز داد و ز بیداد و تخت و کلا

سخن گفتن و رزم و راندن سپاه

بحث داد و بیداد و نگهداری کلا و راندن سپاه بخاطر دفاع از سرزمین اصل عمده به حساب می آمد و در سایه داد می شد کلا فرمانروایی را نگهداشت و همین داد و عدل بود که مردم این کشور از فرمانروای خود حمایت کامل می نمودند.

اصل نگهداری دین ، نژاد و گوهر و هنر و فرهنگ و از همه مهمتر پرورش و مهارت در ورزش می توانست فرمانروا را قدرت مند سازد.

در پرورش فکری فرمانروا باید یزدان شناس و یا خدا شناس می بود و اصول دین ومبانی دین را می آموخت و درزمین کاری نمی کرد که مخالف احکام الهی باشد.

سنت حماسی و پهلوانی و قهرمانی های ملت را از طریق خواندن داستان ها می آموخت و یا اینکه تاریخ کشور خویش را با قهرمان های خویش می آموخت تا در آینده خود قهرمان ملت باشد و نسل های بعد از پهلوانی ها و بزرگی او بگویند .

حکمت از همه مهمتر بود ودر سایه حکمت و اندیشه می توانست تصامیم مهم کشوری را اتخاذ کند و حکمت از راه ادبیات اندرزی آموخته می شد.

دوکتور دندان عبدالحکیم

"لطیفی"

معالج امراض جوف و دهن ، دندان

و ساخت

و ساخت دندان

آدرس : سینما بهارستان منزل دوم

مغازه معصومی

تلفن : ۰۷۹۹۳۱۲۲۶۲

طلا فروشی حاجی

غوث الدین عزیزی

فروش و عرضه انواع

طلاهای روسی سنگاپوری

و کویتی

آدرس :مقابل وزارت اطلاعات

و فرهنگ

آزادی بیان

محمد پرویز

میروند کارت مهاجر به دوستان بسازند و اجرای خبری چیز است و یا چگونه ؟ و یا هر گونه برخورد لگام کسیخته را هم می توان خبرگفت و به تهیه کننده یی آن نام خبرنگار را نهاد .

دموکراسی (آزادی) حق طبیعی انسانها از زمان خلقت بوده و تا حالا این دموکراسی دامه دارد که توام با آن کرامت انسانی، عفت کلام یکجا بوجود آمده و همه و همه شامل ادب می باشد خبرنگاران را می توان پیشگامان و سراینده گان عفت کلام و ادب خواند و در شرایط موجود از دموکراسی برداشت

بهار بیا

شبیر

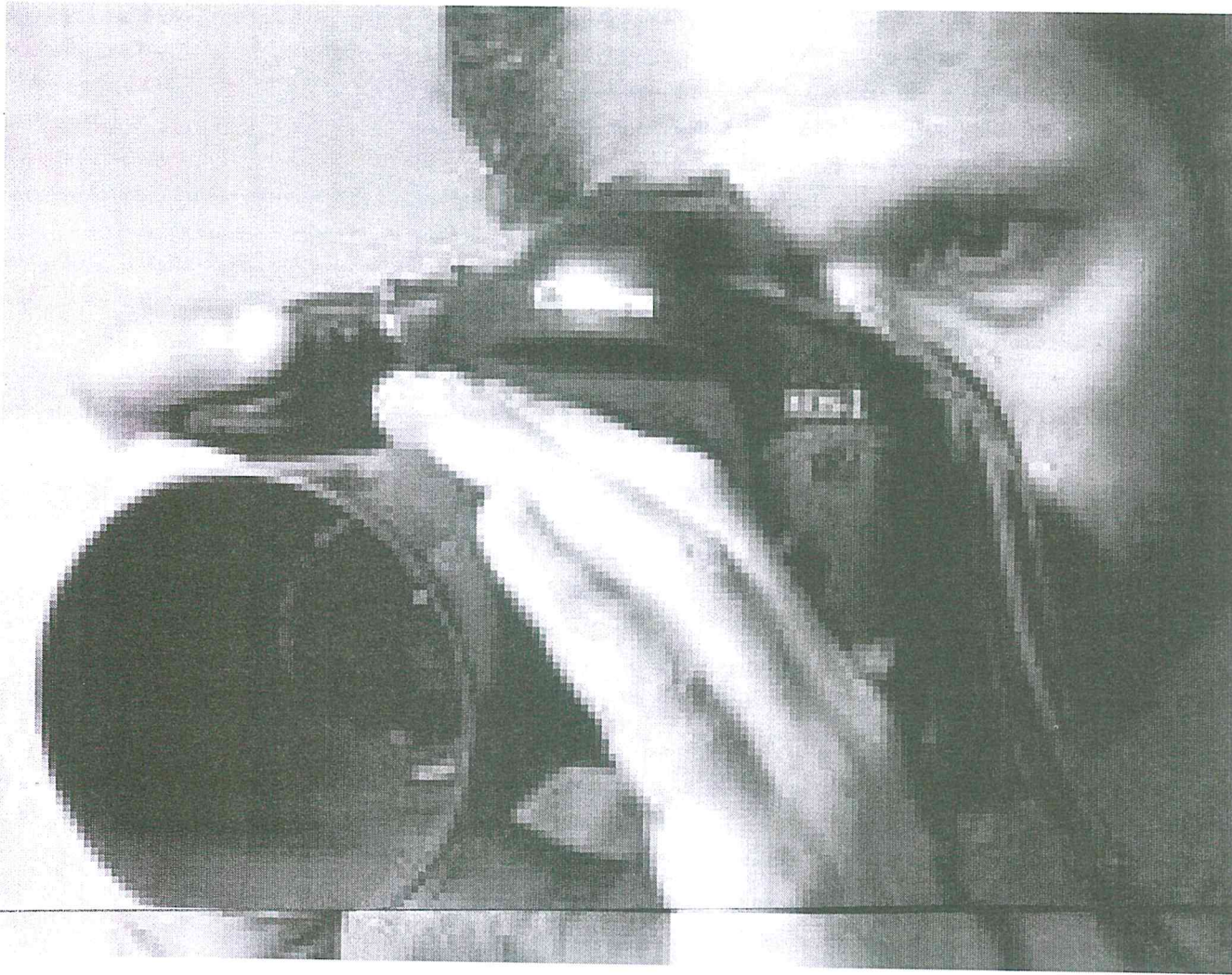
دیگر تاب سیلی سرما را
بروی طفلان گرسنه
و یتیم و بینوا
که لایلی مادران شان را
نشنیده اند ندارم
بهار بیا

دیگر تاب ضبچه های بیوه ای
که در یاد یگانه پسر شهیدش می سوزد
و در نیمه شب ها توانش را در
برابر بادهای تند غضبناک
از دست می دهد
ندارم

بهار بیا
دیگر تاب ناله های عروس
عذابدست

که در انتظار شوهر شهیدش
به تنهایی اشک می ریزد
و اهریمن تاریکی در تبانی با
سرمای خشک زمستان
لحظه ای او را آرام نگذاشته است
ندارم
بهار بیا
دیگر تاب تیرگیها و سازش‌هاییکه
شب های تاریلدایی چله زمستان
در آستان است
ندارم

آری بیا
تا بانوازش نسیم ملایمت
بروی نوعروسان باغ
و لاله های صحرایی
درسی باشد برای مانسان ها
تاچون تو
در نوازش همنونان خویش
دست بیازیم
و نگذاریم
دیگر اشکی بیوه یی، یتیمی و ...
بریزد ...



به عنوان دیگر اداره یی استخدام کننده از خبرنگاران خود خبرمطالعه می نماید و برنامه می سازند و یا به مردم آگاهی می دهند .

بینندگان و شنوندگان منتظر دریافت اطلاعات و رویداد های جدید روز اند نه منتظر اینکه خبرنگار اهداف خود را در بدل مزد در قالب خبر به نشر سپارد .

به این تیب خبرنگار می توان جارچی خبر غیرمسئول کوچه نام نهاد و نباید مسلک مقدس خبرنگار را اهانت کرد ، در آخر از کمیسیون تخطی مطبوعات می خواهیم در قسمت همچو مطالب توجه جدی نمایند .

حمله خطرناکی از طرف عربستان صورت گرفت

جویی ها در غیر آن دلک نمایا ها را براه می اندازند و نام او را طنز می گذارند و یا هم تحت نام خبرنگار درمحافل اشتراک و از صحبت که بمیان می آید به ضم خود به ازدیاد واژه نامیمون تفسیر می نماید . خیلی ننگین است که بدین افراد خبرنگار نام گذاشت .

بنازم خبرنگاری را که واژه ها ناهمگون را در یک مفهوم معنی می نمایند . مثلاً ضعف حافظه که نه تنها تابع کبرسن و بعضاً عوامل دیگر اناتومی می باشد تا تکلیف روانی فرق نمی توانند .

این چنین مفهوم گیری در تلویزیون های آزاد بخصوص تلویزیون سبا ملاحظه می گردد .

آیا برسانه ها قانون و یا محدوده یی تعیین شده و یا خیر ؟ آیا تحت نام تخطی در

عجیبی می شود و آزادی بیان را تفسیر تجارتی می نمایند . همان گونه که داکتر اخلاق طبی ، معلم اخلاق تعلیم را حفظ دارد و در هیچ شرایط به مریض و شاگرد نگاه خصمانه نمی تواند داشته باشد ، خبرنگار هم نباید تابع خودنگری معامله جویی باشد.

متأسفانه رسانه های تجارتی غیرمسئولانه بدون در نظرداشت اخلاق ژورنالیستی به تبارز طبی آزمندانه به نفع خود اطلاع پخش می نمایند و گاهی دلک نمایایی بیش از حد افراطی و گاهی با نشر مطالب کاذب می خواهند اداره و یا شخصیتی را به تمسخر بکشند . هستند خبرنگارانی نام نهادی که به استفاده از نام مقدس اطلاع رسانی و یا مطبوعاتی و در آخرین کلام خبرنگاری با باج گیری نامشروع از عناصر بدنام جامعه بخود زنده گی پرزرق و برق و موتر های مودل سال تهیه می نمایند . رسانه های آزاد بیشترین این نوع اعمال را مرتکب می شوند ، اگر به وزارت میروند کسی را باید سفارش نمایند و به وزارت عودت مهاجرین

نشریه آئینه روز ناشر افکار شماست

مقالات - تحلیل ها و اندیشه های

خویش را از طریق نشریه ما به نشر

سپارید

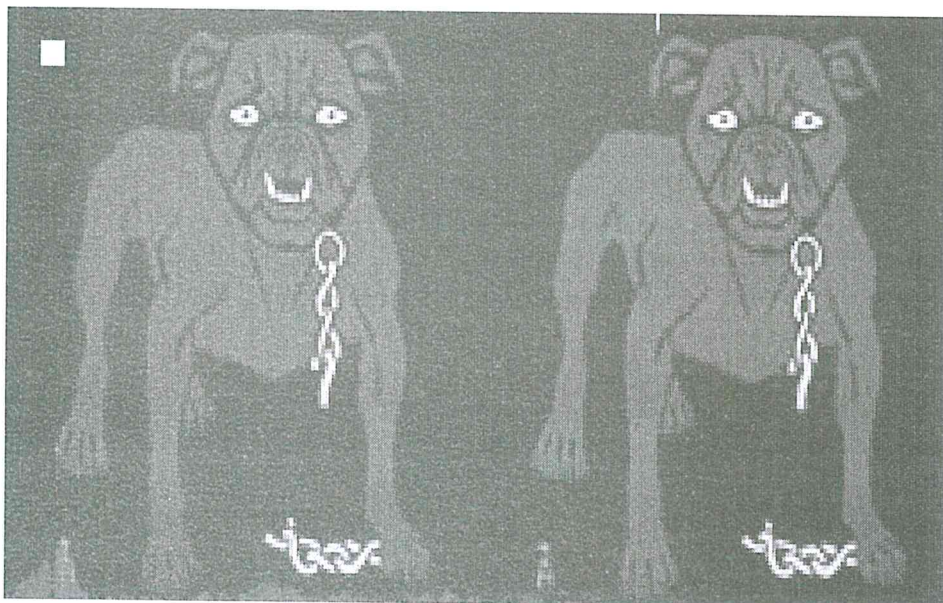
تابلوی خونین غزه در آینه تورات

بشیر احمد

از غزه یاد شده و در سیاق سخن از سلطنت مردی به نام "حزرقیا" آمده است: "او فلسطینیان را تا غزه و حدودش و از برجهای دیدبانان تا شهرهای حصار دار شکست داد."

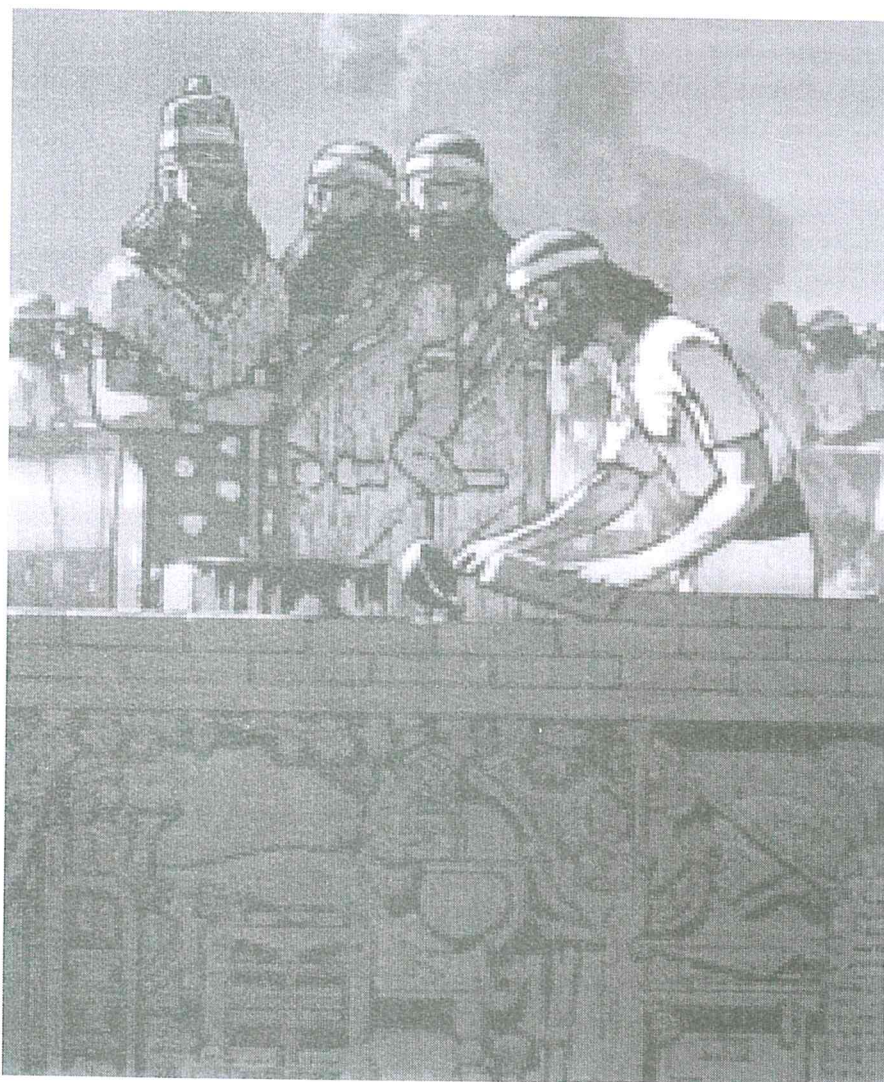
در آن شب و روزی که کودکان بی دفاع فلسطینی در میان آهن و آتش می سوختند ظف روزنامه ها معتبر به نقل از خبرگزاری فرانسه اطلاع دادند که

و یکی از خطوط سوق الجیشی میان سوریه و مصر دنیای قدیم به حساب می آید که ادبیات دینی قبیله اسرائیلی از دیر زمانی با نام غزه آشنایی داشته و تورات بار بار از آن نام برده است. نام این شهر در زبان عبری به شکل "عزه" نیز نوشته میشود که معنی "نیرومند" را میدهد. در تورات دست کم بیست و سه بار در انجیل یکبار از غزه نام برده شده است.



آقای "مردخای الیاهو از بزرگترین مراجع مذهبی اسرائیل ضمن نامه ای به "ایهود اولمرت" گفت که آنچه در غزه می گذرد چیزی جز مجازات دسته جمعی دشمنان نیست که با

تورات در آیت دهم، باب دهم، سفر پیدایش خویش غزه را یکی از مرزهای کشور کنعانیان می شناسد ساکنان قدیم غزه بر مبنای

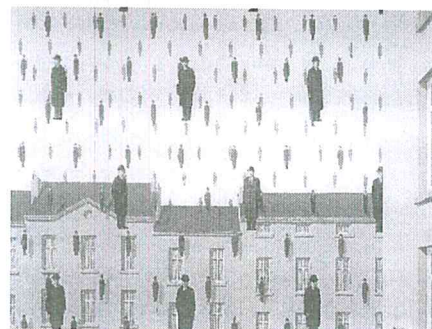


آیت ۲۳، باب دوم، سفر تثنیه به نام "عویان" یاد می شدند.

در زمان پادشاهی سلیمان غزه یکی از مرزهای سلطنت اسرائیل به حساب می آمد. کتاب "عهد قدیم" در آیت ۲۴، فصل چهارم، کتاب اول پادشاهان خویش مرزهای سلطنت آن پادشاه را اینطور مشخص نموده است: "بر تمامی ماورای نهر از تقسح تا غزه بر جمیع ملوک ماورای نهر حکمرانی مینمود." در باب هژدهم، کتاب دوم پادشاهان نیز

در آن شب و روزی که بشریت "متمدن" این سوی دنیا میلاد حضرت مسیح را تجلیل می نمود و برای استقبال از صلح به ماتمسرای هولناک تبدیل شد و کودکان بیگناه آن ملت مظلوم و کشور به غارت برده شده طعمه آتش و آماج تهاجم بی امان ماشین جنگی بنی صیهونیست قرار گرفت.

چندی است که غزه همان شهری که از سه سال بدینسو در



محاصره بوده و به زندانی بزرگ تبدیل شده است، شاهد جنگی یک طرفه و تجاوزی بسیار خشونتبار و خونین بود که بیشتر از ۱۳۰۰ زن و مرد و کودک قربانی به جا گذاشت. آمارهای اولیه حاکی است که در این شهر چهار هزار خانه بصورت کامل تخریب گردید و بیست هزار منزل دیگر سخت آسیب دید. خسارات مادی این شهر را کارشناسان اقتصادی بیشتر از دو بلیون دالر تخمین نموده اند. غزه در تاریخ فرعون و رومی و آشوری و فارسی و ترکی و عربی اسمی آشنا است که بار بار ویران و به خون فرزندانش رنگین شده است. صیهونیستهای اسرائیل غزه را شهری شوم می شمارند و باری یکی از رهبران آن کشور گفته بود، آرزو دارد روزی از خواب برخیزد و ببیند که غزه را بحر بلعیده است.

فلسطین آئینه بزرگی است که همه سمبولهای جهانی حنایت را می توان در آن مشاهده نمود آری! در آن "سرزمین موعود" و جغرافیای خنجر برهنه که قاره های سه گانه دنیا را بهم پیوند داده است: همه بیماریهای بزرگ تاریخ بشر از

تعصب دینی گرفته تا خشونت بدوی و تصفیه نژادی و ستم اقتصادی و اپارتاید قبیله ای و استعمار غربی و رگه هایی از فرهنگ بردگی، همه و همه با هم گره خورده اند که تراژیدی اخیر غزه چیزی جز نقطه ای کوچک در آن تابلوی تاریخی و بزرگ نیست.

در این هیچ شکی نیست که فرهنگ خشونت و سیاست جنگ و آشوب دارای ریشه های متعددی است که نه این نوشته و نه هم نویسنده آن توان کاوش در علل و انگیزه های گوناگون آن را دارد ولی همینقدر می دانم که یکی از چشمه های جوشانی که از قرن ها بدینسو این ریشه ها را آب داده، مشاهیم نهفته در "تورات" و "تلمود" و سایر متون مقدس یهود بوده است. آنچه در این شصت سال اخیر به ملت مظلوم فلسطین رفت و جنایتی که در غزه انجام گرفت، حاصل تیوری هایی است که در پرتو آیه های تورات و تلمود توجیه میشوند.

کشتار بیرحمانه غزه نظر نویسندگان، سخنواران، هنرمندان، خبرنگاران، تحلیلگران و پژوهشگران جهان را به خود مشغول داشته و هر یکی از زوایه ای به آن ماتمسرا نگریستند، اما آنچه حایز اهمیت است ریشه های اعتقادی این جنایت می باشد که متولیان بتکده صهیون آن را جز توصیه های اساسی متون مذهبی و مقدس خویش پنداشته و این اعتقاد در ژرفترین لایه های روان شان خوابیده است. برای درک بهتر این مسئله ناگزیر یم تا به معتبرترین سند دینی و قبیله ای دولت عبری "تورات" و "عهد قدیم" رو آورده و ریشه های حوادث غزه را در سطور و صفحات این کتاب جستجو نمایم. ترجمه فارسی "عهد عتیق" و "عهد جدید" که از سوی انجمن جهانی کتاب مقدس نشر شده است، معتبر ترین ترجمه ای است که از آن نقل قول خواهم نمود. هنگام ضرورت، این ترجمه را با نسخه انگلیسی "هالی بابلی نیو انترنشنال ورشن" و نسخه عربی "الکتاب المقدس: ترجمه العالم الجدید" نیز تطبیق خواهم داد.

غزه یکی از شهرهای بسیار باستانی دنیا بوده

و اشقلون ویران می گردد و اهل اشدود را در وقت ظهر اخراج می نمایند و عقرون از ریشه کنده می شود.

روزنامه "استار" ترکیه به نقل از سازمان بین المللی نظارت بر حقوق بشر گزارش داد که در جنگ غزه از گاز فاسفور که ماده ای سخت آتشزا به شمار آمده و جزء سلاحهای محرم میباشد. نیز استفاده شده است. پژوهشگران را عقیده بر این است که رژیم اسرائیل کار را بر مبنای توصیه تورات انجام داده است زیرا در آیت هفتم و هشتم، باب اول، سفر عاموس آمده است "پس آتش به حصارهای غزه خواهم فرستاد تا قصرهایشان را بسوزانند.... و خداوند یهوه می گوید که باقی ماندگان فلسطینیان هلاک خواهند شد."

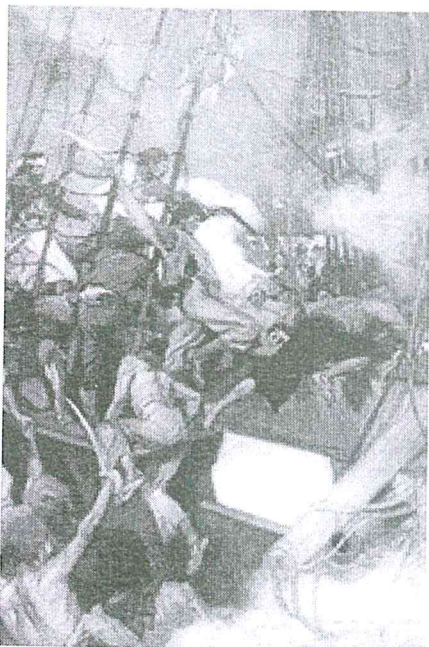
تورات در آیت چهارم، باب چهل و هفتم، کتاب ارمیاء نبی میگوید: "به سبب روزی که برای هلاکت جمیع فلسطینیان می آید که هرنصرت کننده ای را که باقی می ماند از صور و صیدون منقطع خواهند ساخت زیرا خداوند، فلسطینیان یعنی بقیه جزیره گفتور را هلاک خواهند ساخت، اهل غزه بریده موگشته اند و اشقلون و بقیه وادی ایشان هلاک شده است" عهد عتیق، در آیت هجدهم، باب اول، سفر داوران از مرزهای کشور "یهودا" سخن گفته است "و یهودا غزه و نواحیش و اشقلون و نواحیش و عقرون و نواحیش را گرفت"

در آیت پنجم، باب نهم کتاب زکریای نبی آمده است: "... و غزه بسیار دردناک خواهد شد... و پادشاه از غزه هلاک خواهد شد" تورات در آیت های ۱۶ و ۱۷، باب بیستم، سفر تثنیه خویش از طور فرمان میدهد "اما از شهرهای این امتهایی که یهوه

خدایت ترا به ملکیت میدهد هیچ ذی نفس را زنده مگذار بلکه ایشان یعنی حتیانو اموریان و کنعانیان و فرزندان و حویان و یبوسیای را چنانکه یهوه خدایت ترا امر فرموده است بالکل هلاکساز"

در آیت اخیر دیده می شود که در جمع ملتهای که تورات برای نسل کشی شان فرمان صادر می نماید مردم غزه و یا به زبان تورات "حویان" نیز یک بار دیگر شامل اند.

خاخانمهای که از مجازات جمعی صحبت میکنند به روایت های از تورات و تلمود و "عهد عتیق" استناد میکند می ورزند به عنوان نمونه به آیت سوم، باب پانزدهم کتاب اول سمونیل نگاه کنید که در آن آمده است:



پس حالا بروید و عمالیک را شکست داده جمیع مایملک ایشان را بالکل نابود ساز و برایشان شفقت مفرما بلکه مرد و زن و طفل شیرخوار و گاو گوسفند و شتر و الاغ را بکش... و اجاق پادشاه عمالیک را زنده گرفت و تمامی خلق را به دم شمشیر بالکل هلاک ساخت "ادامه دارد

اصول اخلاقی جنگ در تورات کاملاً منطبق می باشد. آری! به گفته این مقام بلند مذهبی کشتار دسته جمعی زنان، کودکان، معلولان و حتی چهار پایان غزه و فلسطین با متون و مبادی مقدس تورات و اخلاق جنگی قبیله یهود هماهنگی کامل دارد.

اگر به "عهد عتیق" مراجعه نماییم راستی هم می بینیم که بار بار از ویرانی غزه یاد می شود. از آن جمله در آیت چهارم، باب دوم، کتاب صفنیای نبی آمده است: "غزه متروک میشود

ملیت و مذهب در خون شیعه

و سنی افغان است

سید داود یعقوبی

البته این ملت نیز توان دفاعی خوبی دارند و هیچ امپراطوری تا حالا نتوانسته است پشت این ملت را به زمین زنند . اما اصل بحث روی این است که همانطور که روحانیون پارس مذهب خود و ملیت خود را حفظ کرده اند مردم ما نیز پاسدار ملت و مذهب خود اند و ما اگر برای یک هندوی این کشور مشکلی پیش بیاید به نام افغان از او دفاع خواهد شد

کی را هندو زاده می گویند به ما ربط ندارد و نمی توانیم دهن مردم را ببندیم چه در کشور آنها و چه در کشور خودمان . همه مردم به این باور اند که کشور همسایه در امور داخلی ما دخالت می کند و در حدود ده تن از مبلغین فعال دارد و تمویل آنها از آنجا صورت

صفویان دواصل را در نظر گرفتن ملت پارس و مذهب پارس که نتیجه خوبی داد . اما با فاسد شدن صفویه و زن باره گی آنها و ظلم و کشتار مذاهب مختلف باعث شد که شیرمردی از تبار قندهار بنام اشرف دوباره سرزمین خراسان را در مرزهای خود برساند و ایالات پارس را به مادر وطن یکجا بسازد ، و زنان صفویه را در بین سربازان خود به نکاح حلال در آورد .

اما اختلاف اشرف و افغان دوباره مشکل آفرین شد و بهر صورتی که بود این کشور از خراسان ما جدا شد ولی همان سیاست و شعار ملی مذهبی ادامه یافت و این شعار تا حالا هم در نظر مذهبیون این کشور دیده می شود و در این دوره با وجود اینکه نجف اشرف تعلیم گاه بود هیچ کسی از تقلید خودی سرباز لزد و کوشیده شد ، حتی در مذهب نیز ملیت خویش را در نظر بگیرند

در کشور ما نیز این بحث بود و ملت هزاره ما با تمام وجود در زمان جنگ های هرات و پارس در کنار برادران تسنن و هراتیان بود و میدانستند در خوان بزرگ خراسان باید نشینند و در بدترین دوران زمانی که هرات در سقوط قرار داشت هراتیان از مردم هزاره درخواست کمک کردند و مردم هزاره با تمام وجود در کنار مردم هرات ایستادند و سید جمال الدین افغان نیز در این جنگ حضور داشت و همه ملت با اتحاد و اتفاق از این سرزمین دفاع کردند .

اما سه دهه جنگ باعث شد تا تعدادی به کشور پارس روند و درمدارس نظامی و مذهبی آنجا آموزش بینند و تبلیغات این کشور بالای شان تاثیر گذارد .

آموزش بینند و تبلیغات این کشور بالای شان تاثیر گذارد .

اما در اولین فرصت مردی از تبار هزاره توضیح المسایل را نوشت و چون کشور پارس مخالف عقل و دانش دینی مردم بودند کتابش را به چاپ نرسانیدند و بالاخره در پاکستان جناب محقق کتابش را به چاپ رسانید و مردم عظیم رو به سوی او آوردند .

در جبهات هم تعدادی اعتقاد به کمک همسایه شکست خورده داشت و به پیروی از آن کشور راه غیر را پیش گرفت .

مزاری شهید از خرما ی گندیده و بسکویت گندم چاپ یاد کرد که همراه به عکس ها وارد کشور ما می شد و مخالفت خود را با دخالت خارجی ها نشان داد .

در قضیه افشار تعدادی رقص و پایکوبی کردند و تعدادی به ماتم نشستند و تعدادی سوزنک ها را کشیدند .

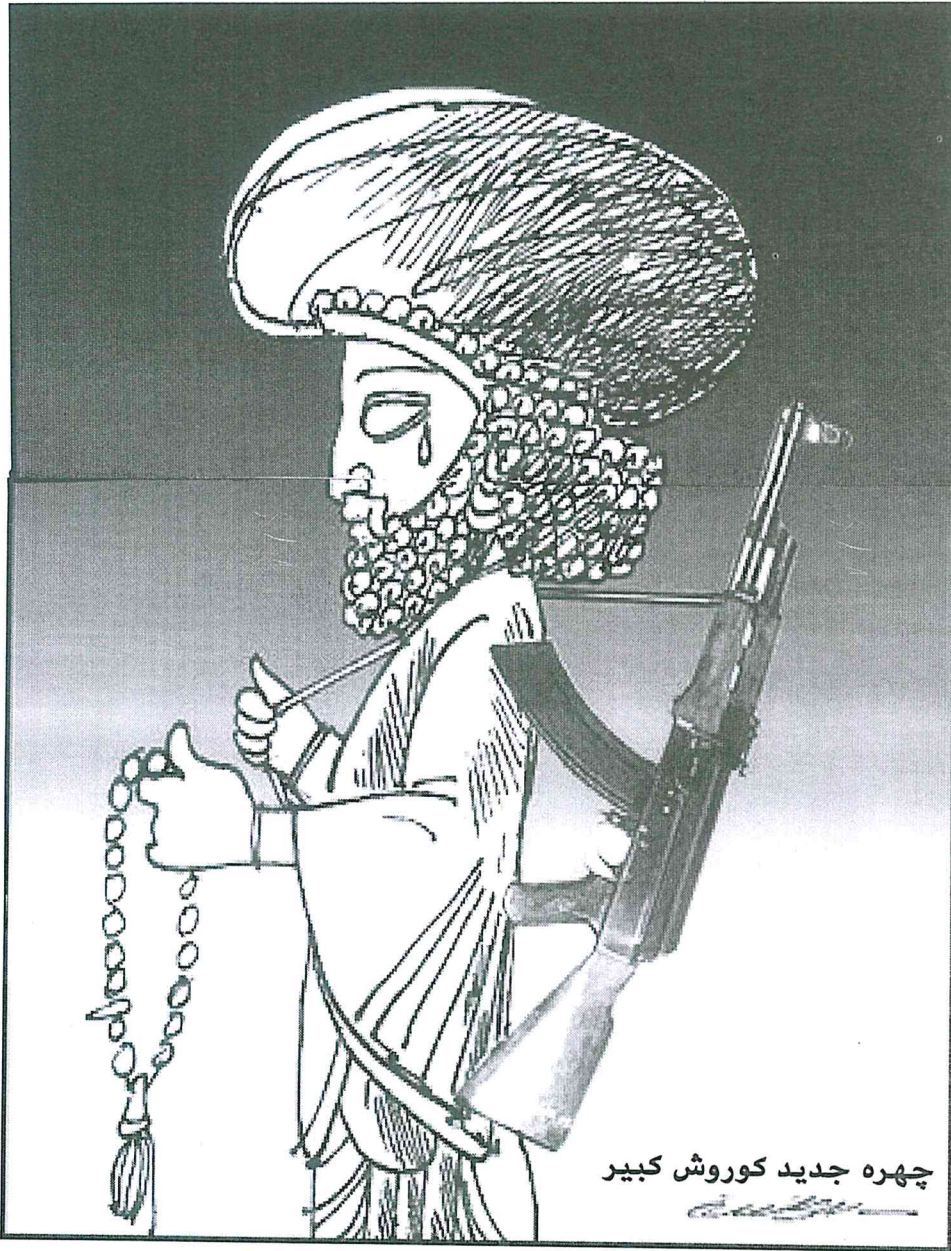
این مطالبی بود که در جنگ خانگی که نسل های آینده به آن می خندند گذشت .

حالا مردم دلیر هزاره راه خودی را انتخاب کرده اند و به تعدادی انگشتان موش های خانگی رفت و آمد های زیادی به سفارت دارند و گویا فکر می کنند که این ملت هیچ نمی دانند .

اما در طول هفت سال شرایط تغیر کرده است و دندان های زهری مارهای کبچه و بوا و افعی و زنگی دی دی آر شده و بقیه دندان های زهری نیز دی دی آر خواهد شد .

آنها نمی دانند که قوای مسلح امروز نیروهای مسلح ما در حدود دوصد هزار تن رسیده است و تعداد افراد مسلح مزدور شاید به هزار ترسد و از همه مهمتر اینکه حتی در ترکیب دولت نیز سهم هر انسان شرافتمند حتی هندوها داده شده است و در پارلمان نیز هندوهای نیم درصدی سهم خود را دارند و این عدالتیست که حتی کشور همسایه ما ندارد و حق میلیون ها انسان کرد و بلوچ و عرب نادیده گرفته شده است و حتی در کابینه این کشور عدالت خواه یکی دو تا از مذاهب دیگر وجود ندارد .

بحث اینکه در آنجا عدالت چگونه است به خودشان ربط دارد و در طول هفتاد سال است که کشور ما در امور داخلی پارس دخالت نکرده است اگر آمریکایی ها آمدند و یا شاه رفت و یا شاهی دیگر از فرانسه تحمیل مردم شد و اینکه مردم



آقای مالکی نیز باید بداند که با نامه روان کردن به وزارت خارجه و وزارت اطلاعات و کلتور نگرانی ریاست جمهوری کشور خود را نشان ندهند بلکه نگرانی ملت ما را به رهبرخویش بگویند که ما از سرنوشت میلیون ها انسان که هر روز لت و کوب می شوند نگرانیم و نمی خواهیم ولی امرمسلمین بالای آنها ظلم کنند .

آنها نگران مجاهدین خلق - سلطنت طلب ها و مذاهب ناراض خود باشند و چند مسجد در شهرهای بزرگ بسازند که مردم مسلمان و مذاهب دیگر نماز بخوانند .

این ملت انگیزه ملی و مذهبی دارند و جهاد آنها در مقابل اجانب ثابت کننده این است که هر دو بدون اختلاف در مقابل شوروی جنگیدند و هرات نیز وحدت همه مذاهب ثابت شده است و ما می دانیم که نوکران شما کی ها هستند و اگر در کشور ما دخالت بیشتر شود ، سرنوشت مداخله گر ها نیز همان خواهد بود که ...

دیروز از اختلاف ما یک نوکر شما استفاده کرده خواهان یک نشریه شد و میدانیم که پرداخت مبلغ این نشریه از حساب شماسات تا یک نشریه در کنار یک روزنامه رنگه جدیدالتاسیس اضافه شود اما این امنیت ملی است که باید پپرسد از درآمد وزارت مهاجرین این نشریه تمویل می شود یا از درآمد معیوبین بی دست و پا ...

مطبوعات شما فعال است اما همه شناخته شده و تلویزیون های شما نیز مسایل سیاسی جهان را که به میل شماسات تبلیغ می کنند اما دیری نمی باید که اهداف شما ناکام می ماند ، همانطور که سیاست

های بروجردی در زمان مجاهدین ناکام قلمداد شد و در کشور نتوانست جواب دهد .

ما می دانیم که شما می خواهید صدای مطبوعات ما را خاموش کنید و ما نه تنها خاموش نمی شویم بلکه این صدا هر روز از طرف نشریات آزاد و غیر وابسته و خارجی ستیز اضافه خواهد شد .

ما سیاست های روشنگرانه خود را می نویسیم و اینکه به دستور شما بازداشت می شویم این حسن نیت دولت مردان ما را نشان می دهد که شما مطمئن شوید ما بخاطر مصلحت صبر می کنیم .

دیروز من نیز بازداشت بودم و دولت من نگرانی خود را برایم تشریح کرد و من درک می کنم و فهم دولت خویش را می دانم و تا زمان پایان کار ریاست جمهوری انتخابی ما پاسدار قانون خواهیم بود و دولت در مقابل شما بی نهایت ارادت دارد و می خواهد مانع کار من شود ، ولی با وجود احترام فراوان به سیاست های دوستانه دولت ، روشنگری ما مربوط به خودمان است .

نشریه ما نه اسرائیلی و نه آمریکایی است و این نشریه آرمان های سید جمال الدین را پیروی می کند همان سید جمال الدین افغانی که بخاطر افغان بودن حتی در مقدس ترین مکان مذهبی شاه عبدالعظیم لباسش دریده شد و گفته شد که او سنت نشده است و او را به کشور ترکیه که هم مذهبش بودند تعبید کردند و به دخالت سفارت شما ترک ها حتی زبانش را بریدند .

دولت در کنفرانس بن آزادی مطبوعات را تضمین کرده است و حق دخالت در اندیشه و تفکر مردمی و انعکاس آرمان های مهاجرین و گفته های همه ملت را ندارد ، همانطوریکه ما حق دخالت در روابط نیک دولت را با شما نداریم .

در طول هفت سال حتی یک جاسوس شما را دستگیر نکرده است و حتی یک فرد را به جرم گرفتن پول از کشور شما بازداشت نکرده است و ما می دانیم که کی را کی و در کجا تمویل می کنید و این رفت و آمد های سیاسیون و مذهبیون چرا در کشور شما بیشتر است .

در نشریه انصاف گفته شده که به لانه زنبور دست نزنید ؟!

باید اصلاح شود که مردم ما به لانه زنبور دست نمی زنند اما موش های طاعوت آور در لانه های خود آرام نخواهند ماند و فعالیت های خرابکارانه شان هم زیر نظر دولت و هم زیر نظر مردم است و این مردم خوب تصفیه حساب می کنند .

در هیچ جای از جهان اسلام به فرزندان پاک پیامبر مبارک بی حرمتی صورت نگرفته و نخواهد گرفت و تمام مذاهب در نماز پنج گانه خود الهه صلی الله محمد وآل محمد را می گویندو فرستادن درود به آل محمد برای سنی و شیعه یک وجبیه شرعی است .

اما تحمل مدارس همسایه ها را ندارند چه مدارس وهابیت - چه مدارس پاکستانی و چه مدارس پارسی و هیچ سیاست مدار مذهبی کشورهمسایه نزد ما عزیز نیست و هیچ گاهی ولی امر مردم افغانستان نخواهند شد و اگر چند مزدور صدای خود را بلند می کنند ، و یا در کشور همسایه می خواستند تابعیت بگیرند و بگویند که ما از نسل افغان نیستیم باید اصلاح شوند و سیاست های خودی در پیش بگیرند .

ما نه تنها نمی گوئیم مذهبی نباشند بلکه می خواهیم ملی و مذهبی باشند .

در وقت مشکلات دوشادوش همه اقوام و ملت ها و مذاهب افغان از سرزمین خود دفاع کنند و اگر هم نکنند مجبور می شوند که این کار را بکنند .

می گیرد و قبلا نیز میلیون ها مین و میلیون ها تفنگ و اسلحه سبک و سنگین از آن کشور وارد شده است و این در حالی است که ما حتی یک میل تفنگ به آنها نفرستادیم و حتی مجاهدین خلق را اجازه ندادیم در کشور ما فعالیت کند و هنوز هم این حسن نیت ادامه دارد .

اما این بدان معنا نیست که ملت ما شاهد سک پروری این کشور باشد و هر روز ما شاهد تحریکات جدیدی بنام تاجیک و پشتون و جنگ مذهبی باشیم .

سخن من متوجه چند مزدور است که از آدرس دین و مذهب می خواهند به گفته خودشان آتش بزنند و خشم مردم ما در دستشان است و هر روز اگر بخوانند به اشاره یی می رقصند و یا اعلان کفر و جنگ و جهاد را می دهند .

در این کشور جامع جهانی وجود دارد و اگر کوچکترین حرکت علیه نظام و مردم ما به مشاهده برسد آنها نیز آرام نخواهند بود و شما شاهد بمباران های خاک پاکستان هستید .